



راهکار آدم شدن از زبان علامه جعفری

آذرماه سال ۱۳۵۹ سرکلاس درس از علامه جعفری پرسیدم: ما می‌خواهیم آدم شویم. برای انسان شدن چه باید بکنیم؟ خودم را آماده کرده بودم بگویند؛ خانم! شما باید یک جله ذکر بگیرید، نماز امام زمان(عج) و نماز شبتان ترک نشود، ۴۰ روز هم روزه بگیرید، از دعای کمیل پنج‌شنبه و دعای ندبه جمعه هم غافل نشوید و… اما علامه نگاه عمیقی به من کردند و گفتند: سیر و حرکت باید تدریجی باشد. باید آرام‌آرام مراتب را طی کنید تا به رشد برسید. در درون شما، چشمه‌ای است. شما باید گل‌ولای را کنار بزنید تا آب این چشمه درونتان جوشان شود. اما مراقب باشید درونتان را نخراشید!

وقتی پرسیدیم: خوب، چه کنیم چشمه درونمان جوشان شود؟ اصلاً برای ما نسخه‌ای نیچیدند. فقط گفتند: بچه‌ها! جسم شما، مرکب شماسست، مرکب روح شماسست. این جسم باید تا آخرین لحظه حیات با شما همراه باشد. پس، از کارهای ساده شروع کنید؛ برای کسی بد نخواهید، دروغ نگوئید، حق کسی را ضایع نکنید و… با همین کارهای ساده، گل‌ولای درونتان از بین رفته و آن چشمه از درونتان می‌جوشد… راستش را بخواهید، همه آنچه برای خودمان بافته بودیم، با حرف‌های استاد خراب شد. اما از آن روز، تا می‌خواستیم چیزی تعریف کنیم که درباره یک فرد غایب بود، یاد سفارش استاد می‌افتادیم و حرفمان را می‌خوردیم. به همین ترتیب، تلاش کردیم روی خودمان و گفتار و رفتارمان کنترل داشته باشیم.

✽ دکتر زهره محمدعلی، شاگرد علامه جعفری خیرگزاری فارس،۵/۹/۱۳۹۸

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

روش تطهیر کف خانه و مانند آن

س) اگر کف خانه با خون، نجس شده و جایی برای خارج شدن آب وجود نداشته باشد، برای تطهیر چگونه عمل کنیم؟

ج) پس از برطرف کردن عین نجاست، به یکی از دو روش زیر می‌توان آنجا را تطهیر کرد:

- آب کر (لوله‌کشی) به جای نجس وصل شود و همه آن محل را آفرا بگیرد.

۲: آب قلیل بر محل نجس شده، ریخته شود سپس با دستمال و مانند آن برداشته شود و بنا بر احتیاط واجب یک بار دیگر بر محلی که آب جمع شده بود مجدداً آب ریخته شده و با دستمال و مانند آن برداشته شود. (اگر برای دفعه دوم از دستمال قبلی استفاده شود باید آن دستمال ابتدا تطهیر شود)

تصرف در مشاعات ساختمان

س) برخی ساکنان مجتمع‌های مسکونی، در بخش مشاعات تصرفاتی می‌کنند که برخی دیگر راضی نیستند (مثلاً در حیاط آنجا ورزش می‌کنند، آیا این تصرفات جایز است؟

ج) اگر قانونی در این زمینه بوده یا شرطی وجود داشته باشد که این تصرفات مطابق آن مجاز باشد، عدم رضایت دیگران تأثیری ندارد و این تصرفات جایز است؛ در غیر این صورت رضایت همه مالکان شرط است.

در یافت وجه بابت معرفی کار به دیگران

س) با ارتباطی که دارم به عنوان مثال یک کارگر را برای شخصی معرفی می‌کنم برای کار کردن، و قرار می‌گذارم با کارگر به ازای معرفی، درصدی از درآمد را به من بدهد، آیا عمل من از لحاظ شرعی مشکل دارد؟

ج) اگر به صورت قرارداد جعاله باشد اشکال ندارد، یعنی کارگر بگوید: اگر کار مناسبی به من معرفی کنی، فلان درصد از درآمد را به شما می‌دهم و شما قبول کنید.

شیوه تطهیر با آب قلیل

س) چگونه با آب قلیل، چیزی که نجس شده و آب بکشیم؟

ج) ابتدا عین نجس را از محل برطرف کنید سپس آب قلیل را به گونه‌ای که آب از آن جدا شود، روی آن بریزید و چنانچه آب از آن جدا نمی‌شود، می‌توانید آب را با پارچه یا مانند آن بردارید و در صورت دوم بنابر احتیاط دوباره آب بریزید و آن را بردارید؛ البته اگر محل نجس مانند فرش و لباس است که آب را به خود می‌گیرد، باید آن را فشار یا تکان دهید که آب داخل آن، خارج شود. اما اگر چیزی با ادرار نجس شده باشد باید تطهیر با آب قلیل را به روشی که گذشت یک بار دیگر تکرار کنید. پس از انجام این مراحل، محل پاک می‌شود؛ البته آب قلیلی که برای تطهیر از محل نجس جدا می‌شود (فائسأله تطهیر با آب قلیل) نجس است لذا باید پارچه استفاده شده برای جمع‌آوری آب، تطهیر شود یا از پارچه دیگر استفاده شود.

شبهه ها و پاسخ ها

اجبار به دینداری در نظام اسلامی!

سنت‌ها وقوانین حاکم بر هستی مبتنی بر مشیت حکیمانه الهی است.از جمله این سنت‌ها، سنت‌های ابتلاء و کيفر است که انسان را همواره در شرایطی سخت قرار می‌دهد تا افزون بر کيفر و مجازات و خطاکار و تنبیه و بیداری او جهت توبه و بازگشت، ظرفیت وجودی و ایمانی شخص سنجیده و بر خودش و دیگران آشکار شود. بنابراین، با توجه به این سنت‌ها، انسان‌ها همواره در سختی‌ها و مشکلاتی قرار می‌گیرند که گاه کوبی هیچ راه‌گزیز و چاره‌ای برای آنها باقی نمی‌ماند، در حالی که از نظر قرآن، همواره راهی برای رهایی از مشکلات وجود دارد. به شرط آنکه خدا را حاکم بر هستی و مقدرات آن دانسته و تبدیل و تغییر را به حکم و مشیت او بپذاند. یکی از راه‌های رهایی از مشکلات هر چند بنظاهر بی‌درمان برای آدم بیچاره، چاره‌جویی از تضرع و دعا استست که نویسنده در این مطلب به مراجعه به آموزه‌های قرآنی بدان پرداخته است.

✽✽✽

فهوم‌شناسی تضرع

واژه عربی تضرع از ریشه «ضرع» به معنای اظهار ذلت

نقش «تضرع» در رهایی از مشکلات و بلایا

و ضعف است(مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص ۵۶، ذیل واژه «ضرع»)
تضرع در فرهنگ اصطلاحات قرآنی به معنای درخواست نجات و رهایی به شکل آشکار و علنی همراه با زاری وگریه به پیشگاه خدا در هنگام نومیدی از همه اسباب ظاهری و انقطاع تمام از آنها و پناه‌جویی و یاری‌خواهی از خدا برای رهایی از گرفتاری و مشکلات است.

به سخن دیگر، هر گاه مصیبتی بر انسان وارد شود، انسان در گام نخست به شکل «خفیه»(نهانی) نجات خود را از خدا می‌خواهد؛ اما با شدت یافتن مصیبت و ظهور آن، آثار نومیدی و انقطاع از اسباب ظاهری در او آشکار می‌شود و شخص از شدت مصیبت بی‌توجه به اطراف، دستان استغاثه به سوی خدا دراز می‌کند و نجات خویش را فریاد می‌زند، بی‌آنکه نگرانی از اطلاع دیگران داشته باشد؛ زیرا دیگر هیچ شرم و آزرمی برایش باقی نمی‌ماند که فریادرسی خویش را آشکار بخواهد. بنابراین، آشکارا از خدا طلب رهایی از مشکل مصیبت را می‌کند. این حالت را «تضرع» می‌گویند. پس تضرع حالت استغاثه و فریادرسی آشکارا بی‌نگرانی از اطلاع دیگران به پیشگاه خدا برای رهایی از مصیبت است که در برابر «خفیه» یعنی درخواست نهانی و پنهانی قرار دارد. (نگاه کنید: المیزان، ج ۷، ص ۱۱۲)

فرق تضرع و جوار

بر اساس آموزه‌های قرآن، «تضرع» که گاهی بالاتر و فراتر از «خفیه» در راستای استغاثه به خدا است، با آنکه نوعی آشکارسازی هویدا است، اما حالتی مطلوب است؛ در حالی که نوعی دیگر از واکنش هنگام مصیبت‌های سخت و دشوار است که از نظر قرآن، نوعی افراط در این امر است که از آن به «جوار»(به معنی ناله و فریاد) از ریشه «جثر» تعبیر می‌شود.

وقتی عذاب الهی شدید و سخت‌شود، افراد در شرایطی قرار می‌گیرند که فریادهای آنان گوش فلک را بر می‌کند و نعره‌شان به آسمان می‌رود؛ یعنی فراتر از «تضرع» به «جوار» رو می‌آورند؛ زیرا در لغت واژه «جثر» و مصدر «ججوار» به معنای افراط در دعا و تضرع استست که امری مقبول و ممدوح نیست(و حالت فریاد و نعره زند است). (مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص ۲۱۱، ذیل واژه «جثر»)

بر اساس گزارش‌های قرآنی، حالت افراطی تضرع؛ یعنی «جوار» هنگامی ظهور می‌کند که خدا بر اساس سنت کيفر، در دنیا یا آخرت، اشخاص ظالم و مترف را با عذاب، مجازات و کيفر می‌کند. در این هنگام است که این افراط به شکل افراطی تضرع می‌کنند که همان «جوار» است و در واقع نعره می‌زنند.(مؤمنون، آیات ۶۴ و ۶۵؛ نحل، آیة ۵۳)

وقتی انسان با مصیبت و عذابی مواجه می‌شود خواه از مصادیق ابتلاء باشد و خواه کيفر و مجازات گناه و خطا، باید «تضرع» کند و با انقطاع از اسباب و گریزش و گریزش از آنها و گرایش به خدا و دعا و مصیبت نجات بخشد.

بنابراین، بر اساس آموزه‌های قرآن، واکنش‌های انسان در برابر مصیبت‌ها و عذاب‌ها یکسان نیست، بلکه شامل دست کم سه واکنش «خفیه»، «تضرع» و «جوار» است. اما واکنش‌های انسانی در برابر مصیبت‌ها و عذاب دارای شدت و ضعف است.

نسبت تضرع و جوار با سنت‌های الهی

حالت‌های دعا و درخواست نهانی، یعنی همان «خفیه»

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

خدا در قرآن به‌صراحت بیان کرده که بسیاری از مصیبت‌ها و عذاب‌های الهی در دنیا برای این است تا مردم به حالت «تضرع» در آیند و بداندند که تنها «ولایت» خدا استست که بر هستی جاری و ساری است و ملک و ملکوت در اختیار اوست و اگر بخواهند از مصیبتی رها شوند باید به خدا متوسل شوند، چنان‌که می‌فرماید: ما مردم را گرفتار سختی و رنج و زیان کردیم تا شاید به خودشان بیایند و «تضرع» و زاری کنند.

خدا در قرآن بصراحت بیان کرده که بسیاری از مصیبت‌ها و عذاب‌های الهی در دنیا برای این است تا مردم به حالت «تضرع» در آیند و بداندند که تنها «ولایت» خدا استست که بر هستی جاری و ساری است و ملک و ملکوت در اختیار اوست و اگر بخواهند از مصیبتی رها شوند باید به خدا متوسل شوند، چنان‌که می‌فرماید: ما مردم را گرفتار سختی و رنج و زیان کردیم تا شاید به خودشان بیایند و «تضرع» و زاری کنند(انعام، آیة ۴۲؛ اعراف، آیة ۹۴)
بسیاری از مردم این‌گونه عمل نمی‌کنند و هنگام مشاهده مصیبت و عذاب به «ضرع» رو نمی‌آورند، بلکه

موجب می‌شود تا عذاب و مصیبت کنونی برداشته شود و هم اجازه نمی‌دهد تا مصیبت و عذابی سخت‌تر و ناگهانی بر او وارد شود؛ زیرا اگر کسی عذاب و مصیبتی را دید و تضرع نکرد، نه تنها این عذاب کنونی برداشته نمی‌شود، بلکه عذاب سخت‌تر برای او رقم می‌خورد که آن عذاب جز به تضرع دفع نمی‌شود. پس کسی که تضرع می‌کند هم عذابی را بر می‌دارد و هم از گرفتاری به مصیبت و عذابی سخت‌تر و بدتر در امان می‌ماند؛ اما اگر تضرع نکند، هم این عذاب «جوار»(ناله و فریاد) نیز سودی به حال او نخواهد داشت. (انعام، آیسات ۴۲ تا ۴۵؛ اعراف، آیات ۹۴ و ۹۵؛ مؤمنون، آیات ۶۴ و ۶۵ و ۷۶ و ۷۷)
خدا این هشدار را می‌دهد که اگر مردم وقتی به مصیبتی دچار می‌شوند، «تضرع» نکنند و به کارشان ادامه دهند، دری دیگر از عذاب را به سوی آنان می‌گشاید و ناگهان آنان را می‌گیرد و نابود می‌کند. (انعام، آیات ۴۲ و ۴۳)

عذاب‌های الهی درجه درجه افزایش می‌یابد که از آن به «استدراج» یاد می‌شود؛ البته سنتی دیگر در کنار سنت استدراج مطرح استست که از آن به سنت «مهال» یاد می‌شود؛ به این معنا که خدا برای کافران و مشرکان

در رهایی از مشکلات و بلایا

فرشته محیطی

گاه به جای دری از عذاب، درهای نعمت را می‌گشاید تا جایی که آنان فرحناک و بدمست شده و به کارهایشان ادامه می‌دهند؛ اما ناگهان گرفتار عذاب نابودی و استیصال می‌شوند.(اعراف، آیة ۱۸۴)

به هر حال، تضرع هنگام مصیبت‌ها و عذاب‌های الهی راهی برای رهایی و بلکه دفع عذاب‌های بدتر و شدیدتر و سخت‌تر است. از همین رو خدا در آیات چندی بر اهمیت تذلل و تضرع تأکید کرده (انعام، آیات ۴۲ و ۴۳؛ اعراف، آیة ۹۴) و یکی از رسالت‌های پیامبران را بسترسازی برای تضرع امت‌ها دانسته است.(خواهد، آیة ۹۴)

تضرع و توبه و انابه به پیشگاه خدا و اقرار به تذلل و ضعف خویش موجب می‌شود تا انسان در زمره صالحان قرار گیرد.(فلم، آیات ۲۸ و ۲۹)

اهمیت و ارزش تضرع

در اهمیت و ارزش تضرع همین بس که خدا ترک تضرع به در گاه خویش را نشانه سنگدلی (انعام، آیات ۴۲ و ۴۳) و مصادق ستمگری(همان)، تجاوزگری (اعراف، آیة ۵۵)، موجب محرومیت از محبت الهی(همان)، گرفتاری به سنت استدراج (انعام، آیات ۴۲ تا ۴۵) و هلاکت ناگهانی و ریشه‌کنی و عذاب استیصال دانسته است.(همان)

کسانی در هنگام مصیبت تضرع نمی‌کنند که گرفتار انحراف و رفاه زدگی (انعام، آیسات ۴۲ و ۴۳)، منازع از تزئین‌گری شیطان(همان)، قسوات قلب(همان) و غفلت از خدا شده باشند.(اعراف، آیة ۲۰۵)

بنابراین، بر مؤمنان و مسلمانان است تا گاه با عذاب و مصیبتی مواجه هستند، به دعا و تضرع بپردازند(اعراف، آیات ۵۵ و ۲۰۵) و با احساس ذلت و ضعف در برابر خدا از خدای عزیز و قوی یاری بخواهند تا آنان را نجات دهد و گرفتار عذابی دیگر و شدیدتر نکند.(انعام، آیة ۶۳)
این شیوه پیامبران در هنگام گرفتاری به سنت ابتلاء بوده است، چنان‌که حضرت نوح(قمر، آیة ۱؛ انبیا، آیة ۷۶؛ صافات، آیات ۷۵ و ۷۶) و حضرت یونس(انبیا، آیة ۸۲؛ ص، آیة ۴۱) و حضرت یعقوب(یوسف، آیة ۸۶) بدان تمسک جستند و به یک معنا براساس قرآن فرمان الهی، شیوه‌ای است که پیامبر(ص) بدان مامور شده است.(اعراف، آیة ۲۰۵)

البته برخی از پیامبران از جمله حضرت آدم (اعراف، آیة ۲۳) و حضرت یونس(انبیا، آیة ۸۷)، قلم، آیة ۴۸) به دنبال کيفر و مجازات الهی بدان تمسک جستند و از عذاب نجات یافتند.

خدا به انسان‌ها هشدار می‌دهد که کاری نکنند

که شدت عذاب با عذاب ناگهانی آنان را در برگیرد

و آنان به «جوار» بیفتند که این نوع تضرع افراطی هیچ سودی به حال آنان نخواهد داشت؛ زیرا کار از

در حقیقت از نظر قرآن، عذاب‌ها و مصیبت‌ها برای بازگشت و اصلاح امر باطل است که با تضرع و زاری به پیشگاه خدا و عنایت خاص الهی همراه می‌شود. اما وقتی کسی به این هشدارها توجهی نکند و «تضرع» نداشته باشد، در عذابی گرفتار می‌شود که حتی «جوار» برایش سودی ندارد(همان؛ انعام، آیات ۴۵؛ اعراف، آیات ۹۴ و ۹۵)

تضرع، راهی برای رهایی

وقتی انسان با مصیبت و عذابی مواجه می‌شود خواه از مصادیق ابتلاء باشد و خواه کيفر و مجازات گناه و خطا، باید «تضرع» کند و با انقطاع از اسباب و گریزش از آنها و گرایش به خدا و دعا و بیان ضعف و ذلت خویش، از خدا یاری بخواهد تا او را از مصیبت نجات بخشد.(اعراف، آیة ۴۲؛ اعراف، آیة ۹۴؛ مؤمنون، آیة ۷۶)

بنابراین، همان‌گونه که توبه و استغفار راهی برای رهایی از عذاب است، یکی از راه‌های دیگر، تضرع به پیشگاه خدا و آشکارسازی ضعف و ذلت خود به پیشگاه خدا برای رهایی و نجات از عذاب و مصیبت است.(همان)

البته از نظر قرآن، کسی که تضرع کند نه تنها از مشکلات کنونی و مصیبت‌ها و عذاب‌هایی می‌یابد، بلکه از عذاب‌های سخت‌تر و گرفتاری به سنت استدراج نیز نجات پیدا می‌کند؛ زیرا تضرع دو کارکرد واقعی و فغعی دارد، هم

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به اظهار و ترویج اعتقادات خود بپردازد، عمل او از صرف اعتقاد خارج شده و ماهیت هنجارشکنی پیدا خواهد کرد و طبیعی استست که نظام اسلامی در چنین وضعی با اقدامات هنجارشکنانه برخورد خواهد کرد.

نمی‌کند که تنها دین اسلام را بپذیرند و از ادیان خود دست بردارند.

جالب است بدانیم اگر فردی از دین اسلام دست بکشد و در دین دیگری حتی یکی از ادیان غیر آسمانی درآید و یا حتی به صورت مطلق کافر شود، ولی اعتقادات خود را اظهار نکند، طبیعتاً هیچ فردی با او کاری ندارد. اما در صورتی که علاوه‌بر پذیرش اعتقادات دیگر، به